

یکی از مدیران آمریکایی که مدتی برای يك دوره آموزشی به ژاپن رفته بود، تعریف کرده است که: روزی از خیابانی که چند ماشین در دو طرف آن پارک شده بود می گذشتم. رفتار جوانکی نظرم را جلب کرد. او با جدیت و حرارتی خاص مشغول **تمیز کردن يك ماشین** بود.

بی اختیار ایستادم. مشاهده فردی که این چنین در حفظ و تمیزی ماشین خود می کوشد مرا مجذوب کرده بود.

مرد جوان پس از **تمیز کردن ماشین** و تنظیم آینه های بغل، راهش را گرفت و رفت چند متر آن طرف تر، در ایستگاه اتوبوس منتظر ایستاد. رفتار وی گیجم کرد.

به او نزدیک شدم و پرسیدم: مگر آن **ماشینی** را که **تمیز** کردید متعلق به شما نبود؟  
نگاهی به من انداخت و با لبخندی گفت: من کارگر کارخانه ای هستم که آن ماشین از تولیدات آن است. دلم نمی خواهد اتومبیلی را که ما ساخته ایم کثیف و نامرتب جلوه کند.